

داستان آفرینش در قرآن کریم

دکتر پرویز آزادی
کارشناس کتاب های دینی متوسطه

اشاره

انسان چگونه روی زمین قرار گرفت؟ چه کسی او را آفرید؟ چگونه او را آفرید؟ بعد از این دنیا انسان به کجا می رود و چه سرانجامی در انتظار اوست؟ و سؤالات فراوان دیگری که ذهن هر انسانی در زمین با آن‌ها آشناست.

در این نوشتار، پاسخ این سؤالات را از زبان آفریننده مرور می کنیم. ببینیم خداوند چگونه این امور را توصیف می کند. تمامی مطالب از آیات قرآنی اخذ شده اند و سعی شده است ترجمه دقیق و در عین حال فراخور حال ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: خداوند، خلقت، انسان، زمین، بهشت، شیطان.

پرده اول: آفریننده

آفریننده این جهان بر هر کاری تواناست.^۱ او همواره می آفریند^۲ و هر چه را بخواهد می آفریند.^۳ قدرت خداوند تمام آسمان‌ها و زمین را فراگرفته است و نگاهداری از آفریده‌ها برای او سخت نیست و او بسیار بزرگ و بلندمرتبه است.^۴ بنابراین، خداوند بر هر چیزی احاطه کامل دارد.^۵ خداوند چیزهایی را آفریده است که انسان‌ها هیچ اطلاعی از آن ندارند.^۶ با این حال، اگر انسان بخواهد نعمت‌های الهی را بشمارد هرگز نمی تواند.^۷

آفریدن برای او بسیار آسان است و بعد از اینکه تمامی موجودات می میرند، زنده کردن آن‌ها از آفرینش اولیه شان آسان تر است.^۸ و فقط خدا می تواند آن‌ها را دوباره زنده کند.^۹ هر آنچه در آسمان و زمین است متعلق به خداوند است^{۱۰} و او مالک آسمان‌ها و زمین است. با این حال او نه شریکی دارد و نه فرزندی.^{۱۱} هر آنچه در آسمان و زمین است در برابر خداوند مطیع است و همگی، چه با میل و چه با اجبار، تسلیم او هستند و بازگشتشان نیز به سوی اوست.^{۱۲}

جهان هستی را به بهترین صورت ممکن آفرید^{۱۳} و هر چیزی را کامل آفرید.^{۱۴} آفرینش هر موجودی به مقدار و اندازه معین انجام

می شود.^{۱۵} خداوند در هنگام آفریدن بر تمامی جوانب و نیازهای آفریده‌ها آگاهی داشت^{۱۶}، چون بعد از خلقت باید آن‌ها را پروراند.^{۱۷} و فقط او پروردگار جهان است.^{۱۸} خداوند آسمان و زمین را آفرید و در آفریدن

آن‌ها دچار سختی نشد.^{۱۹} او آسمان‌ها را در هفت طبقه آفرید. در آفریده‌های خداوند هیچ سستی نیز وجود ندارد.^{۲۰} آسمان‌ها و زمین و هر آنچه را بین آن‌هاست بر اساس حق آفرید که تا وقت خاصی باقی خواهد ماند.^{۲۱} خداوند ستارگان را بر فراز آسمان آفرید و با آن‌ها آسمان را زینت داد.^{۲۲} او خورشید را نورانی و ماه را روشن قرار داد^{۲۳} و آن دو را موظف ساخت هر کدام تا وقت مشخصی در مدار خود بچرخند،^{۲۴} تا انسان‌ها حساب سال‌ها را داشته باشند.^{۲۵} و آسمان را بدون ستون‌هایی که دیده شوند برافراشت.^{۲۶} و آن را سقف قرار داد و از آسمان آبی فرستاد تا به وسیله آن آب از زمین رزق موجودات زنده را خارج سازد.^{۲۷}

خداوند روی زمین کوه‌هایی قرار داد و زمین را پربرکت قرار داد.^{۲۸} او زمین را گستراند و در آن کوه‌ها و رودهایی قرار داد.^{۲۹} از هر آنچه در خشکی و دریاست آگاه است و برگی از درخت نمی افتد، مگر اینکه او می داند و دانه‌ای در درون زمین رشد نمی کند، مگر اینکه او می داند.^{۳۰} او آگاه است به هر آنچه در زمین فرو می رود و هر آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان پایین می آید و آنچه به آسمان بالا می رود.^{۳۱} خداوند از آب هر چیزی را زنده ساخت.^{۳۲} در زمین چیزهای رنگارنگ برای انسان آفرید و دریا را مسخر انسان ساخت تا از آن گوشت تازه بخورد و از آن زینت‌هایی برای خود استخراج کند. و کشتی را در دریا شناور ساخت تا انسان در دریا به دنبال نعمت‌های الهی باشد. روی زمین کوه‌هایی قرار داد تا انسان‌ها و زمین را استوار گرداند و در زمین رودها و راه‌ها و همچنین نشانه‌ها و ستارگانی قرار داد تا راه خود را بیابند.^{۳۳} خداوند ابرهای پربرک^{۳۴} و فلز سخت را آفرید.^{۳۵} خداوند تمامی این‌ها را بر اساس حق آفریده است.^{۳۶} و آسمان و زمین را برای بازی نیافرید.^{۳۷}

پرده دوم: آفرینش انسان

هنگامی که خداوند می خواست انسان را بیافریند، به فرشتگان فرمود می خواهم روی زمین برای خود جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند، آیا می خواهی روی زمین کسی را قرار دهی که در زمین فساد و خونریزی می کند، در حالی که ما تو را تسبیح و تقدیس می کنیم! خداوند



فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.^{۳۸} خداوند انسان را در بهترین حالت آفرید.^{۳۹} البته آفرینش آسمان بسیار پیچیده‌تر از آفرینش انسان بود.^{۴۰} او انسان را از گل خشک آفرید^{۴۱} و به او سخن گفتن را آموخت.^{۴۲} و آنچه را نمی‌دانست به او آموخت.^{۴۳}

خداوند به انسان اسما را آموخت. سپس او را بر ملائکه عرضه کرد و به آنان فرمود، اگر راست می‌گویید اسما را به من بگویید. فرشتگان گفتند: خداوند، تو منزهی. ما جز آنچه تو آموختی چیزی نمی‌دانیم و تو عالم و حکیم هستی. خداوند به آدم فرمود اسما را به آنان بیاموزد و هنگامی که انسان اسما را به فرشتگان آموخت، خداوند به فرشتگان فرمود مگر نگفتم من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و همچنین می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را مخفی نگه می‌دارید.^{۴۴} خداوند انسان را تکریم کرد و بر بسیاری از موجودات برتری داد.^{۴۵} از میان تمامی مخلوقات فقط انسان توان دریافت امانت الهی را دارد.^{۴۶}

پرده سوم: نقش شیطان

خداوند قبل از انسان جن را از شعله‌ای از آتش آفریده بود.^{۴۷} نه جن و نه انسان هیچ‌کدام شاهد آفرینش خودشان نبودند.^{۴۸} شیطان از جنیان بود.^{۴۹} خداوند به شیطان دستور داد در برابر انسانی که از گل آفریده است تعظیم کند، ولی او نپذیرفت و گفت من برترم و در برابر انسانی که از گل آفریدی تعظیم نمی‌کنم.^{۵۰} خداوند به شیطان فرمود: چه چیز تو را بازداشت از اینکه به چیزی که من با قدرت خود آفریدم تعظیم کنی؟ آیا خود را برتر می‌دانی؟ شیطان گفت: من بهتر از او هستم. من را از آتش و او را از خاک آفریده‌ای.^{۵۱} به همین دلیل، خداوند شیطان را از بهشت اخراج کرد و به او گفت از بهشت بیرون شو که تو مورد نفرت من و از طردشدگان درگاه من هستی. من جهنم را از هر کسی که از تو پیروی کند پر خواهم کرد.^{۵۲} شیطان قسم خورد بر سر راهی که انسان را به خدا می‌رساند بنشیند^{۵۳} و زندگی را برای آنان زینت دهد و تمامی آن‌ها را گمراه کند^{۵۴} و تا روز قیامت فرزندان انسانی را که بر شیطان برتری یافته‌اند به بردگی خود درآورد.^{۵۵}

پرده چهارم: ورود به بهشت و خروج از آن

خداوند به آدم و همسرش گفت، در بهشت ساکن شوید و از هر نعمتی که می‌خواهند بخورند. فقط به درخت ممنوعه نزدیک نشوند.^{۵۶} ولی شیطان او را فریفت و به دروغ گفت این درخت جاودانگی و سرمایه پایان‌ناپذیر است.^{۵۷} شیطان انسان را با وعده فرشته شدن و زندگی جاودانی یافتن فریفت و آدم و همسرش از میوه درخت ممنوعه خوردند.^{۵۸} و بدین‌سان خداوند آنان را از بهشت اخراج کرد.^{۵۹}

آدم و همسرش از این کار خود پشیمان شدند.^{۶۰} خداوند چون بسیار بخشنده و مهربان است، توبه کردن را نیز به آدم آموخت و آدم و همسرش توبه کردند و خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت.^{۶۱} ولی آنان را از بهشت اخراج کرد.

پرده پنجم: سکونت در زمین

خداوند آدم و همسرش را روی زمین مستقر کرد^{۶۲} و گفت زمین جایگاه شما تا روز قیامت است. در آن به دنیا می‌آیید، در آن می‌میرید و از آن دوباره خارج خواهید شد.^{۶۳} به غیر از آدم و همسرش که خداوند آن‌ها را از خاک آفرید، باقی انسان‌ها را از نطفه آفرید.^{۶۴}

خداوند به درخواست شیطان نیز به او - نه تا روز قیامت - که تا وقت مشخصی مهلت داد تا روی زمین بماند.^{۶۵}

خداوند زمین را گسترد و آسمان را سقفی قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به واسطه آن روزی انسان‌ها را تأمین کرد.^{۶۶} خداوند زمین را محل آرامش انسان و آسمان را سقف قرار داد و انسان را به بهترین شکل آراست و به او از چیزهای پاک روزی داد.^{۶۷} خداوند هر آنچه را در آسمان و زمین است در اختیار انسان قرار داد و نعمت‌های خود را به صورت آشکارا و پنهانی در اختیار انسان‌ها قرار داد.^{۶۸} خداوند هر آنچه را در زمین قرار داد برای انسان آفرید.^{۶۹}

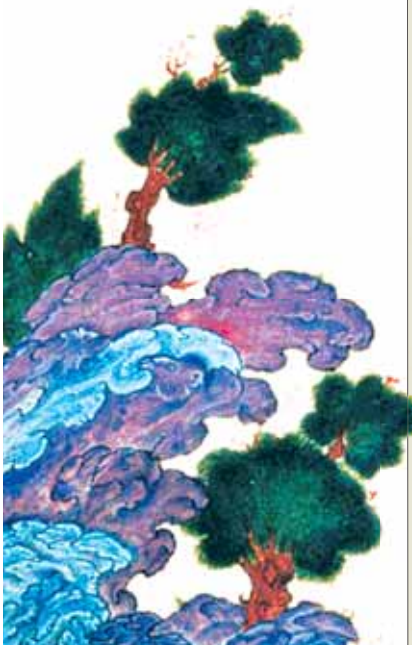
پرده ششم: راه بازگشت

انسان برای خداوند است و به سوی خداوند باز می‌گردد. انسان به سختی در راه رسیدن به خداوند است و قطعاً او را ملاقات خواهد کرد.^{۷۰} در عین حال، خداوند با انسان است، هر کجا که باشد.^{۷۱} خداوند حافظ و مراقب هر چیزی است.^{۷۲} او می‌تواند مردگان را زنده کند. او بر هر کاری تواناست.^{۷۳} خزانن هر چیزی نزد اوست و از آن به مقدار مشخص نازل می‌کند.^{۷۴} و در نهایت، همه چیز به سوی او باز می‌گردد.^{۷۵} راه بازگشت نیز چنین است:

۱. تفکر و شکرگزاری خداوند

شایسته است انسان در آفریده‌های خداوند اندیشه کند.^{۷۶} در آفرینش آسمان بالای سرش تفکر کند و ببیند خداوند چگونه آن را بنا نهاده و زینت داده است، در حالی که هیچ اشکالی در آن نیست.^{۷۷} در تمامی تحولاتی که خداوند در جهان انجام می‌دهد، از قبیل آمد و رفت شب و روز، کشتی که در دریا راه می‌رود و مردم از آن بهره می‌برند و آبی که از آسمان فرو می‌فرستد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند و در جریان بادها و ابرهایی که در اختیار خداوند هستند، نشانه‌هایی وجود دارند برای کسانی که اهل

خداوند به انسان اسما را آموخت. سپس او را بر ملائکه عرضه کرد و به آنان فرمود، اگر راست می‌گویید اسما را به من بگویید





فکر کردن هستند.^{۷۸} خداوند تمامی نعمت‌های روی زمین را برای انسان آفرید تا شکرگزار باشد.^{۷۹}

۲. اطاعت از خداوند

در زمین برای هدایت شما پیام‌هایی خواهد آمد. اگر کسی پیروی کند، هیچ نرس و اندوهی نخواهد داشت.^{۸۰} از خداوند اطاعت کنید، چرا که این صراط مستقیم بازگشت به خداوند است.^{۸۱} آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن‌هاست، خداوند را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی نیست مگر اینکه او را تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح گفتن آن‌ها را متوجه نمی‌شوید.^{۸۲}

بدترین انسان‌ها کسانی هستند که آیات الهی را انکار می‌کنند.^{۸۳} آنان در واقع به خود ظلم می‌کنند.^{۸۴} و خداوند ظالمان را هدایت نمی‌کند.^{۸۵} کسانی که خداوند آن‌ها را از رحمت خود دور کند و بر آنان خشمگین شود، بدترین عاقبت را خواهند داشت. آن‌ها بدترین جایگاه را دارند و از راه دورترین‌ها خواهند بود.^{۸۶}

خداوند روی زمین، انسان را با چیزهای مختلفی می‌آزماید. او مرگ و زندگی را آفرید. تا بدین وسیله انسان را بیازماید.^{۸۷} او به انسان همسر و فرزند و ثروت می‌دهد تا او را بیازماید. خداوند برخی از انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری داد تا آن‌ها را بیازماید.^{۸۸} این‌گونه که برخی از انسان‌ها توان سخن گفتن با خداوند و دریافت وحی از خداوند را دارند.^{۸۹} خداوند به هر انسانی بخواهد قدرت می‌دهد و از هر انسانی بخواهد قدرت را می‌گیرد. هر کس را بخواهد عزیز می‌سازد و هر کس را بخواهد ذلیل می‌کند.^{۹۰} شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب؛ زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌کند.^{۹۱} انسان در برابر تمامی این بلاها ضعیف است.^{۹۲} و یاریگری جز خداوند ندارد.^{۹۳}

۳. دوری از شیطان

همچنین، به انسان‌ها هشدار داد مراقب باشند تا شیطان آن‌ها را همانند پدر و مادرشان که فریب داد و از بهشت بیرونشان کرد، فریب ندهد.^{۹۴} انسان نباید از شیطان پیروی کند، چرا که او دشمن آشکار انسان است.^{۹۵} شیطان می‌خواهد انسان را وارد آتش کند، پس انسان نیز باید شیطان را دشمن بدارد.^{۹۶} تا او را از قرار گرفتن در صراط بازندارد.^{۹۷} شیطان انسان را ترغیب به انجام کارهای زشت و ناپسند می‌کند و دستور می‌دهد که به خداوند سخنان ناروا بگوید.^{۹۸} شیطان با نزدیک شدن به انسان او را از یاد خدا غافل می‌کند و می‌خواهد انسان را خوار نماید.^{۹۹} شیطان از روبه‌رو و از پشت و از چپ و راست به سراغ انسان می‌آید تا او را گمراه کند.^{۱۰۰} او به انسان می‌گوید نسبت به پروردگارت کافر شو و وقتی انسان کافر می‌شود، شیطان می‌گوید من از تو بیزارم؛ چرا که من از خداوندی که پروردگار جهانیان است، می‌ترسم.^{۱۰۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره، ۲۰ و ۲۱؛ حجر، ۸۶؛
۲. یس، ۷۹ و ۸۱؛
۳. شوری، ۴۹؛ زمر، ۴؛ فاطر، ۱؛ روم، ۵۴؛ قصص، ۶۸؛ نور، ۴۵؛ یس، ۸۱؛
۴. بقره، ۲۵۵؛
۵. نساء، ۱۲۶؛
۶. نحل، ۸؛ یس، ۳۶؛
۷. ابراهیم، ۳۴؛
۸. روم، ۲۷؛ مریم، ۷ و ۹؛
۹. عنکبوت، ۱۹؛
۱۰. نمل، ۶۴؛
۱۱. بقره، ۱۰۷؛
۱۲. فرقان، ۲؛
۱۳. بقره، ۱۱۶؛ آل عمران، ۸۳؛ روم، ۲۶؛
۱۴. مؤمنون، ۱۴؛ نمل، ۸۸؛
۱۵. سجده، ۷؛ صافات، ۱۲۵؛
۱۶. نمل، ۸۸؛ سجده، ۷؛
۱۷. فرقان، ۲؛ طلاق، ۳؛ قمر، ۴۹؛
۱۸. بقره، ۲۹؛ انعام، ۱۰۱؛ مؤمنون، ۱۷؛ ملک، ۱۴؛
۱۹. حجر، ۸۶؛
۲۰. حمد، ۲؛
۲۱. احقاف، ۳۳؛
۲۲. ملک، ۳؛
۲۳. روم، ۸؛ احقاف، ۳؛
۲۴. حجر، ۱۶؛ فرقان، ۶۱؛
۲۵. یونس، ۳ و ۵؛ زعد، ۴-۲؛
۲۶. زعد، ۲-۴؛
۲۷. بقره، ۲۲؛
۲۸. فصلت، ۹-۱۰؛
۲۹. زعد، ۴-۲؛
۳۰. انعام، ۵۹؛
۳۱. حدید، ۴؛
۳۲. انبیاء، ۳۰؛
۳۳. نحل، ۱۰-۱۶؛
۳۴. زعد، ۱۲؛
۳۵. حدید، ۲۵؛
۳۶. یونس، ۵۳؛
۳۷. انبیاء، ۱۶؛
۳۸. بقره، ۳۰-۳۳؛
۳۹. تین، ۴؛
۴۰. نازعات، ۲۷؛
۴۱. حجر، ۲۶ و ۲۷؛
۴۲. رحمان، ۱۴ و ۱۵؛
۴۳. رحمان، ۴ و ۳؛
۴۴. علق، ۵ و ۴؛
۴۵. بقره، ۳۰-۳۳؛
۴۶. اسراء، ۷۰؛
۴۷. احزاب، ۷۲؛
۴۸. حجر، ۲۶ و ۲۷؛
۴۹. رحمان، ۱۴ و ۱۵؛
۵۰. کهف، ۵۰ و ۵۱؛
۵۱. کهف، ۵۰؛
۵۲. ص، ۷۱-۷۶ و ۷۶؛
۵۳. حجر، ۲۶ و ۲۷؛
۵۴. اعراف، ۱۱ و ۱۲؛
۵۵. ص، ۷۱ و ۷۳؛
۵۶. و ۷۶؛ اسراء، ۶۱؛
۵۷. حجر، ۳۲ و ۳۳؛
۵۸. اعراف، ۱۸؛
۵۹. اعراف، ۱۶؛ ص، ۸۲؛
۶۰. اسراء، ۶۲؛
۶۱. طه، ۱۱۵ و ۱۲۰ و ۱۲۱؛
۶۲. اعراف، ۱۹؛
۶۳. اعراف، ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲؛
۶۴. اعراف، ۲۷؛
۶۵. اعراف، ۱۹ و ۲۳؛
۶۶. بقره، ۳۷؛
۶۷. بقره، ۳۸؛
۶۸. اعراف، ۲۴ و ۲۵؛
۶۹. مؤمنون، ۱۴؛
۷۰. ص، ۸۹-۸۲؛
۷۱. بقره، ۲۲؛
۷۲. غافر، ۶۴؛
۷۳. لقمان، ۲۰؛
۷۴. بقره، ۲۹؛
۷۵. انشاق، ۶؛
۷۶. حدید، ۴؛
۷۷. هود، ۵۷؛ احزاب، ۵۲؛
۷۸. احقاف، ۳۳؛
۷۹. حجر، ۲۱؛
۸۰. آل عمران، ۱۰۹؛
۸۱. عنکبوت، ۱۹ و ۲۰؛ اعراف، ۱۵۸؛
۸۲. عنکبوت، ۲۰؛ غاشیه، ۱۷؛
۸۳. بقره، ۱۶۴؛
۸۴. اعراف، ۱۰؛ نحل، ۱۴؛ حج، ۳۶؛
۸۵. فرقان، ۶۱ و ۶۲؛ روم، ۴۶؛ یس، ۳۳ و ۳۴؛
۸۶. جاثیه، ۱۲؛
۸۷. بقره، ۳۸؛
۸۸. یس، ۶۱؛
۸۹. اسراء، ۴۴؛
۹۰. جمعه، ۵؛
۹۱. اعراف، ۱۷۵ و ۱۷۷؛
۹۲. جمعه، ۵؛
۹۳. مائده، ۶۰؛
۹۴. ملک، ۱ و ۲؛
۹۵. انعام، ۱۶۵؛ نمل، ۶۲؛ فاطر، ۳۹؛
۹۶. انعام، ۹۱؛ یونس، ۲؛ یوسف، ۱۰۹؛ کهف، ۱۱۰؛ انبیاء، ۷؛
۹۷. آل عمران، ۲۶ و ۲۷؛
۹۸. نساء، ۲۸؛
۹۹. بقره، ۱۰۷؛
۱۰۰. اعراف، ۱۱ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۷؛
۱۰۱. بقره، ۱۶۸ و ۱۶۹؛
۱۰۲. فرقان، ۲۹؛
۱۰۳. اعراف، ۱۱ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۷؛
۱۰۴. حشر، ۱۶؛

منبع

قرآن کریم